سال اول شماره ۱ — ۳ شنبه ۳۰ شعبان ۱۳۴۱ مطابق ۲۷ حمل ۱۳۰۲ — صفحه ۱

قلم ازاد

محل اداره

طهران ـ خیابان علاء الدوله

مدیر و نگارنده

حسین ـ هاتفی

عنوان تلگرافی طهران قلم آزاد

مجالتا هفته یک شماره منتشر میشود

وجه اشتراك

	سالیانه	ششماهه
داخله	۵۰ قران	۳۰ قران
خارجه	۶۰ «	۳۵ «

وجه اشتراك پس از سه شماره دریافت میشود

تك شماره ۶ شاهی است

قیمت لوایح واعلانات خصوصی با دفتر است ـ سیاسی * علمی * ادبی * اجتماعی * تاریخی مقالات عام المنفعه پذیرفته میشود اداره در نشر و رد آن آزاد است

مقدم مبارك حضرت حجة الاسلام اقای حاج اقا نورالله مجتهد حریت طلب را تبریك میگوئیم

اخطار

از انجائیکه نامه ملی (قلم ازاد) باید بوجه آبونمان اداره شود لذا بر حسب قاعده جریده نگاری این شماره را برای مشترکین محترمه ارسال داشتیم متمنی است در صورت نخواستن همین شماره را بدون مسامحه عودت دهند در صورت عودت ندادن شماره اول و دوم جزء مشترکین محسوب پس از چند شماره قبض آبونمان صادر خواهد شد

(قلم ازاد)

مرام ما

قبل از اینکه شروع به نوشتن مرام و مسلك قلم ازاد مینمائیم لازم است مفاد مکتوب هفده سال قبل مرحوم مغفور طالب اف را که بمجد الاسلام کرمانی مدیر نامه ندای وطن نوشته بود بنظر خوانندگان محترم برسانیم

قبل از انکه اقایان در علت العلل روز نامه نگاری ما انهم در موقع رقابت ستاره های اسمان مطبوعات با کواکب اسمانی تفتیش بفرمایند خودمان عرضه بداریم مرحوم طالب اف در تاریخ مفروضه در فوق مرقوم فرموده بود که من از چندی باین طرف کلیه کتب حیوان شناسی را سطر سطر صفحه بصفحه باب بباب از مد نظر گذرانیده هیچ حیوان کثیر النسل نیافتیم که باندازه مشروطه ایران کثیر النسل بوده در مدت کمی این همه روز نامه و انجمن زائیده بدریدن شکم خود وادارد

این مسئله شامل حال حاضره گردیده در این دوره هم هرگاه بیشتر از دوره اولیه از مشیمه مشروطه روز نامه متولد نگردیده کمتر هم نبوده و بیمبارکی یکیرا حالیه بر دیگران افزوده ایم

اینك ما در هویت و کمیت و کیفیت جرائد بحثی نکرده کلیه را مفید و مقدس دانسته ولی قلم ازادرا ازروی اصول حاضره جریده نگاری معرفی نکرده بلکه مزایای انرا عملا نشان خواهیم داد

اولین ماده مرام قلمی ما مجاهده با عادات مضره و پوسیده است که علاوه از مضرات طاقت فرسای خود مملکت شبادان خدا نا شناس گردیده هریك در یك لباس و با یك رنگ ضربه به منافع ملت زده و در سایه عادت مصون و محفوظ مانده و میماند

قلم آزادیان بمقتضای عقیده جریده نگاری رنج بر شی را در لباس رنج بر خواهی جاك موهوم سرمایه دار کار فرما را برای سرمایه اندوزی اشراف کشی رابرای اشرافیت کفر مطلق دانسته و این رسومات ورسوماتیانرا اعداء عدو وطن میداند

قلم ازاد بجای تمایل و کوشش بفقر اغنیا سعی بغنای فقرا نموده و وسایل سعادت مندی و مکانت داری که منحصر بفعالیت منظمه بدنی و فکری و صرفه جوئی عملی است بملت نشان خواهد داد

قلم ازاد همین مملکت فقیر صوری بالفعل را غنی بالقوه دانسته مزایا و منابع ثروت را متدرجا معین کرده طرق استفاده را اشکارا خواهد کرد

قلم ازاد علت العلل بدبختی و بیچارگی شخصی و عمومیرا نقطه و فقط سوء اخلاق تشخیص داده وسایل اصلاح را (فرس ماژور) یافته بنابراین طرفدار قوه مصلحه مشروطه و تجدد و معرفت و وطن پرستی صاحب قوه میباشد

قلم ازاد ازروی اطلاعات کافیه که در امر انتخابات دارد دسایس و ایرادهائیرا که برای این مقصود بکارزده و می شود متدرجا معین خواهد نمود

اینست مجموعه مزایا که برای انجام یك یك ان از خداوند توفیق و از صنوف صالحه ملت امداد می طلبیم

انتخابات

اگرچه در موضوع انتخابات خیلی لایحه و مقالات انتشار یافته

جرائد بحث ها کرده اند ولی بدبختانه هیچ تغییری در ترتیبات جاریه و هیچ تخفیفی در دسایس حاضره نشده است

ما متحیریم در امر انتخابات باحالت حاضره بگوئیم و چه بنویسیم

از یك طرف صرفه وکالت بحدی دیگ طمع منتظر الوکاله ها را بجوش آورده است که هر بی سرو پائی و هر بی اطلاعی پروانه وار خود را دو شعله شمع وکالت سوزانیده هریك تهمتی وارد به نیت پاکدسته عوام کالا انعام زده استراحت عمومی و خصوصا جهالت زده ها را منحصر بوکالت خویش خوانده !

از طرف دیگر اصناف کلاه بردار و تجار ورشکسته بهترین طریق بلعیدن مال مردم و مصونیت از تعقیب را وکالت و وکیل

سازی دانسته دست از کار و کسب کشیده برای نیل به مقصود خود را به آب و آتش میزنند

از طرف دیگر وکلای امتحان داده پشه‌بیان رنجبر کش‌ها ! که الیها متینک ها در خانه‌ها میدان ها خیابان ها تشکیل داده و اوطاکوریان را بذکر فضایل و مناقب خود وا داشته اند مشغول عوام فریبی هستند !

از طرف دیگر منتظر الوزاره های از نردبان وکالت بوزارت عروج کرده برای نیل بان آمال عمله‌های این اعمال رابکار گماشته به یمین و یسار میتازند

عجب محشری برپا شده ـ عجب دسته‌های سینه وکالت زن راه افتاده بازار (بورس) آراکرم تر از بازارهای (ورس) امریکا و اروپا شده نرخ رای وکالت مجلس پنجم گران تر و رولجش بیشتر از پیش تر گردیده

بنا به گفته یکی از ساده لوحان رای فروش رای امسال از کثرت مشتری بدو تومان خواهد رسید ! !

چه می توان کرد با ترتیب های جاریه میشود بصحت انتخابات و مجلس امیدوار گردیده به چاه این همه دودها موفق شده از چنگال بدبختی نجات یافت

د د ابدا

آتش بجان شمع فتد کاین بنا نهاد

در هر حال آن چه بنظر ما میاید این است که اولا دولت وقت بعکس انتخابات سایر ممالک مشروطه و جمهوری که بهیچ وجه دولت دخالت در امر انتخابات نمی‌کند در ایران باید مراقبت تمام و اهتمام داشته حتی المقدور جلوگیری از دسایس نموده ثانیا هوشیاران طبقه زحمت کش با تمام قوا مواظب همه معیشت های عوام خود گشته و آن ها را از فریب شیادها حفظ نموده در امر انتخابات دو شرط اساسی را رعایت بنمایند آن دو شرط یکی معرفت و دیگری دیانت است که لازمه هر وکیل با شرف بوده — دارای این دو شرط چه از طبقه سوم و چه از طبقه دوم و چه اول قهرا و طبعا خیانت نکرده زیرا به هدایت علم خیانت را تشخیص داده بحکم دیانت مرتکب نگردیده بالطبع خدمتی بجامعه نموده و بعلاوه محض توجه حضرات مشترکانشانیه از خیانات بخود و نیل از بدی پرهیز مینمایند

بلی این است توصیه ما این است دستور ما تا چه اقتضا بکند حسیات صرف صالحه ملت و رای دولت

اخبار خصوصی

برحسب راپورتیکه از خلخال رسیده طایفه کرد شاطرانلو و سنجه بند که از هفده سال باین طرف قسمتی از خمسه وطالش دولاب گیلان و سراب و گرمرود را بخاک یکسان کرده حقوق مالک و زارع را یغما و دهات را تصرف نموده بودند اخیرا بدست نظامیها گرفتار و پس از دویست نفر تلفات داده اند خوانین که امیرعشایر وطپانچه خان و آتش خان هستند تسلیم نظامیها شده اند

اخبار شهری

متخصص امریکای بلدیه درنظر گرفته است بوسیله سه آبشار پس قلعه ودارآباد کارخانجات برق شهر را باقوه برق آبشار روشن نموده ونرخ آن را نیز برقی کرده وسایل آسایش اهالی را فراهم سازد

وایضا درخصوص پوشیدن آبها هم مشغول تبادل آرا هستند

انفصال

ازقرار معلوم آقای حکیم اعظم از کفالت بلدیه منفصل گردیده است ومعاون مشار الیه مشغول انجام کار های ریاستی میباشد

درمقابل دوهزار تومان وجوهیکه همه روزه اداره بلدیه از کاب وزارع وغیره دریافت میکند که تقریبا هرماه بالغ بر شصت هزار تومان میشود خوب است اقلا به تنظیف وروشنائی بعضی کوچه های طهران که شبها پای مردم بیچاره بواسطه نبودن روشنائی بچاله هافرو میرود از قبیل کوچه مسجد جامع وکوچه های سر تیر آقا وسایر نقاط طهران رسیدگی نمایند خصوصا کوچه مسجد جامع که نزدیک است سیم برق میباشد

عزل ونصب

ازقرار خبریکه باداره رسیده پیشکار مالیه قم منفصل وشاهزاده شعاع الدوله که یکی از مامورین جدی درست کار میباشد برای ریاست مالیه قم انتخاب وهمین چند روزه بصوب ماموریت خود عزیمت خواهند فرمود

انجمن نظار

دردو یوم قبل در دار الحکومه هیئت نظار تشکیل برای ترتیبات نشر اعلان وتعیین دادن تعرفه انتخابات بوده اند

اعضاء هیئت نظار

بنا به استعفای آقای حاجی معین التجار از حضور آقای حاجی امین الضرب باکثریت دعوت شد و مشار الیه نیز استعفای خود را تقدیم نمودند بعد از طرف هیئت آقای حاجی حسامی آقا دعوت شده اند

جشن و چراغانی

دوشب قبل بجهت عید تاج گذاری اعلیحضرت همایونی سلطان احمد شاه چراغانی مفصلی از طرف ادارات دولتی بعمل آمد

مقتصد المال

تلگرافی از طرف وزارت مالیه بتمام مالیه های ولایات وایالات گردیده ودستور داده اند بنا بتقاضای وزارت جلیله معارف بقایای سنوات ماضیه را از بابت عوارض معارف هر تومانی دویست دینار و خرواری یکقران وصول کنند و آن چه در یافت شده است با وجوهیکه بعد وصول میگردد بمرکز ارسال دارند

خبرخصوصی

بر حسب خبر خصوصی که باداره رسیده در موضوع مجازات محرکین و مرتکبین قتل نا کهانی نظامیان مامورین عربستان بارة از آقایان بمقام توسط بر آمده اند که قضیه به اصلاح گذشته مرتکبین بواسطه جهالت گرفتار مجازات معارضه بمثل نشوند

قشون انگلیس

در خصوص خبر ورود هشتصد نفر از نظامیان انگلیس بعربستان وزارت جلیله امور خارجه اقدامات لازمه در باب فهم علت ورود و اعاده ان ها نموده است که انشاالله نتیجه ان را در شماره آتیه بنظر خوانندگان می رسانیم

نتیجه بی دانشی

زمانی را یاد دارم که یکی از دوستان به علت تنگ دستی دوچار و از فقر و فاقه در فشار بود — چون اطلاعات کاملی به احادیث و خبر داشت تصمیم گرفت که به اطراف طهران یعنی دماوند رفته چون ماه محرم است مشغول روضه خوانی شود شاید امر معاش یکساله او فراهم گردد بالاخره با چند نفر رفقای بی سواد خود همدست شد و قرار گذاردند که هر چه پیدا کنند باهم تقسیم نمایند — این اول قرار آن ها شد

دوم قرار انها این بود که همه شب کلمات خبر و احادیث را بان بی سوادان تلقین کند — و چنانچه غلطی بر سر منبر انشاء کردند او سرفه کرده بهٔ این وسیله بانها بفهماند که غلط است تا اعادهٔ کار کرده و صحیحش را بگویند — اتفاقا روزی در یکی از مجالس که چند نفر طایفه مازندرانی هم بودند یکی از انها بر سر منبر رفت سوره (قاف و القران را که چند شب متوالی باو تلقین کرده بودند تفسیر کند بعد از ادای بسمله با قرائت غلیظ گفت (قاف و القران) که بر حسب اتفاق رفیق او را در پائین منبر بی اختیار سرفه گرفت – ان بی چاره گمان کرد که غلط خوانده تاملی کرد دو باره گفت [قوف و القران] این مرتبه نیز رفیق او را سرفه گرفت باز تصور کرد که غلط گفته [گفت قیف و القران] که همهمه در اهل مجلس افتاد و صدای خنده حضار بلند شد

آن بیچاره عبارا بر سر کشید و از منبر پائین امد و از در بیرون رفت — آن وقت وقتی بود که مردم با سر انگشت اورا بیک دیگر نشان میدادند

این مسئله خوب بما می فهماند که در بعضی از امور دنیوی نباید تقلید از دیگران بکنیم و بتقلید دیگران فلان الدوله یا فلان الملك و . . . ؟ را که ابدا در مدت عمر با او معاشر نبوده ایم و از اخلاق روحیه او اطلاعی نداریم انتخاب کنیم بلکه باید هر که را خوب از چگونگی حالش مطالعه و به تدین او — علم او — رفتار او — کما هو حقه پی برده ایم از هر طبقه و هر صنفی باشد انتخاب کنیم

کاری نکنیم که مورد مضحکه و خنده و ملامت دیگران گردیم

که پس از انتخاب دیگر چاره نداشته باشیم

در حقیقت اگر ما ملت درست بکنه مطلب پی ببریم خواهیم دانست که سلطنت هر فردی از افراد ملت همان وقتی هست که می خواهد رای بدهد از برای وکیل که همه طور از حقوق او در هر مواقع دفاع کند

پس ما بطور علاقه مندی به نجات توده رنجبر از چنگال ظالم و محفوظ ماندن وطن عزیز خود میگوئیم

ای ملت کاری نکنید که انگشت نمای دوست و دشمن گردید اینست نصیحت خیرخواهانه ما بشما



غزل

از انقلابی و جزبش علاقه‌زان نگسستم
کز اعتدال قد دوست هیچ طرف ابستم
سخن مگوی بجز از صنوف صالحه بامن
که من نه بنده اشرافم و نه کهنه پرستم
برای دولت مشروطه پایداری من بین
که هر چه داشتم اندر سرش برفت زدستم
خیال دولت مشروطه تا نشست بخاطر
دگر بعمر دمی بی خیال آن ننشستم
نبود اگر به اخرابنم اعتماد ووثوقی
ولی علاقه الفت ز هیچ یك نگسستم
نه اعتدالی صرفم نه انقلابی محضم
که هم بقد تو ام فتنه هم ز چشم تو مستم
قسم بدولت مشروطه و به مجلس شوری
که یار عهد مودت گسست و من نگسستم
چنان ز بادهٔ مشروطه ای حریف خرابم
که ایستم دمی اگه ز حال خویش که هستم
ز بند ظلم چو (عبرت) زانحتمام عدالت
بجست هر کس بیچاره من هنوز نجستم

کلمات بزرگان

چهار چیز است که بچهار چیز محتاج است

حسب بادب — و خرسندی بایمنی — و خویشاوندی بدوستی — و خرد مندی باز مایش روزکار

اردشیر

چهار چیز ادمی را بچهار درجه میرساند

عقل به بزرگی — و اندیشه راست بفرماندهی – ودانش به‌بلا شهٔی – وبردباری باحترام

انوشیروان

سه چیز آسیاب اسایش است

مدارا بامردم — و میانه‌روی در امور زنده گانی – و مهربانی وخوش روئی باهم نمودن

یک غزل

ز مهر روی تو ای مهر آسمان جمال
چو صبح عید منور شده است شام هلال
تو صبح مهر سیه دل ندانی از سحالی
که شد براه فراقت سفید چشم خیال
کرم بدست فتد فرصتی بشیرینی
برم ز قند لبانت ببوسه شهد وصال
ز سحر چشم تو مانم که پیش اهل نظر
گهی چو شیر ژیان است و گه بشکل غزال
نگیرم از رخ خوبت نظر جز آنکه شود
سرا ز خاک لحد هر دو دیده مالامال
تو با چنین قد دلجو به بوستان بگذر
که سرو پیر تماشات خیزد از دنبال
مگر ز حلقه زلفت گره گشائی کرد
که طیب غالیه بگرفته است باد شمال
ز نار هجر تو مینو چنان بسوخت که سوخت
در آتش رخ تو چون سپند هندوی خال

مینو

سؤال

از رئیس دولت و رئیس مجلس شورای ملی

امتیاز نفط شمال که به تصدیق مخالف و مؤالف یگانه وسیله حیات اقتصادی ایران بوده بکجا منتهی گردید و بچه علت در بوته تعویق مانده و همچنان مذاکرات و معاهدات اقتصادی با دولت شوروی روسیه که با ترتیبات جاریه تعویقش باعث خانه خرابی عموم تاجر و زارع و صنعتگر شده است بکجا منتهی شده و همین طور [پرو ژه] محاکمه وزراء که مدتی است تقدیم پارلمان گشته بچه مانعی بر خورده

خوب است جواب های این سئوالات را مرحمت فرمائید تا ما توسط جریده محترم خود خوانندگان را آگاه سازیم



آثار ادباء معاصره

شنیدستم که صیادی پی صید — بصحرا دام میگسترد از کید
سر آنرا مرغکی از دور بدید — بنزدیک آمد از وی حال پرسید
که این طراحی این نقشه از چیست — ترا این کار خود بی موجبی نیست
نباشد بی سبب اینجا چنین کار — خدایا زین معما پرده بردار
از این اندیشه باری بی کم و کاست — بده با من سخن اندر میان راست
بپاسخ گفت باوی مرد محتال — که ای زیبنده مرغ خوش خط و خال
چه کاری نیست در گیتی به از داد — حصاری میکنم از عدل بنیاد
که تا مرغان در این حصن اندر آیند — بکام دل پر و بالی گشایند
نه از عدوان رمد از شیر آهو — نه پروائی کند از باز طیهو
نباشد کبک را از باز تشویش — خورد گرگ آب از یک چشمه با میش
چو با او آن محیل این قصه سر کرد — برفت آن مرغ و مرغان را خبر کرد
چو بشنیدند آن مرغان که آنجا — حصار عدل گردیده است برپا
از آن غافل که حیلت ساز کرده — بنام عدل ظلم آغاز کرده
یکی زان مرغکان با حسن تدبیر — رهائی یافت از آن دام تزویر
چو رست از دام پس با وی چنین گفت — که ای جانت بجان اهرمن جفت
ز ظلم این حصن را بنیان نهادی — حصار عدل نام آن نهادی
عدالت را اگر این است آئین — بباید بر عدالت کرد نفرین
بنائی کش بود بنیان ز بیداد — برآرد دست قهر اوراز بنیاد
خرد گر داری ای مرد یگانه — بکن سر مشق این شیرین فسانه
بدین افسانه گوش هوش وا کن — بجو معنا و صورت را رها کن
بهر جا اجتماعی هست زنهار — تو بی اندیشه آنجا پای مگذار
بسا مردم که هستند آدمی روی — ولی ابلیس طبع و اهرمن خوی
زنندت راه با شیرین زبانی — پی انجام مقصود نهانی
چو شد مقصودشان انجام داده — شوند آنها سوار و تو پیاده
ببین ز آغاز هر کاری در انجام — نیفتی تا بکید خلق در دام

ابو القاسم (ذوقی)

اخطار

در خصوص شراکت این جانب با آقای اعتماد الاسلام سیستانی و خسارتی که از طرف مشار الیه متوجه این جانب شده بنا بخواهش بعضی از دوستان از درج بعضی مطالب صرف نظر کرده اینک متذکر میشویم هر گاه تا ده روز دیگر وجه بدهی خود را تادیه نکند لابد بدرج مطالبی که دال بر اثبات حق گوئی خودمان است مبادرت خواهیم نمود

[هاتفی]

مطبعه سعادت